عدل نامه

یادنامه دکتر شهریار عدل

تهیه و تدوین

علیرضا امینی



۱۳۹۷

عنوان و نام پدیدآور	:	عدل‌نامه: یادنامه دکتر شهریار عدل/ تهیه و تدوین علیرضا انیسی؛ ویراستار علمی علیرضا انیسی.
مشخصات نشر	:	تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۵۹۷ ص.
شابک	:	۷۰۰۰۰۰ ریال978-600-8977-36-0 :
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
عنوان دیگر	:	یادنامه دکتر شهریار عدل.
موضوع	:	عدل، شهریار، ۱۳۲۲ - ۱۳۹۴. -- یادنامه‌ها
موضوع	:	*Adle, C.(Chahryar) -- Festschriften*
موضوع	:	باستان‌شناسان -- ایران
موضوع	:	*Archaeologists -- Iran*
موضوع	:	مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
موضوع	:	*Persian essays -- 20th century -- Collections*
شناسه افزوده	:	انیسی، علیرضا، ۱۳۴۰ -، گردآورنده
شناسه افزوده	:	پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
شناسه افزوده	:	*Research Institute of Cultural Heritage & Tourism*
رده بندی کنگره	:	CC۱۱۵/ع۴ع۴ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	:	۹۳۰/۱۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۲۸۳۸۴۶



مرکز معرفی فرهنگی

عدل‌نامه «یادنامه دکتر شهریار عدل»

تهیه و تدوین : علیرضا انیسی

ویراستار علمی : علیرضا انیسی

طرح جلد : محبوبه اصغرپور

ویرایش ادبی و صفحه‌آرایی : محبوبه اصغرپور

چاپ و صحافی : ناصح

شمارگان : ۵۰۰ نسخه

چاپ اول : ۱۳۹۷

قیمت : ۷۰۰،۰۰۰ ریال

پژوهشی در معماری امامزاده جعفر دامغان

علیرضا انیسی*

مقدمه

مرحوم دکتر شهریار عدل از میان شهرهای تاریخی ایران علاقه وافری به شهر دامغان داشت. پژوهش‌ها و مقالات متعدد وی در مورد این شهر و آثار تاریخی آن گواهی بر این مدعاست.[1] یکی از دلایل این تعلق‌خاطر شاید تاریخ و آثار برجسته تاریخی و فرهنگی دامغان به‌ویژه در دوره اسلامی می‌باشد که از اهمیت فراوانی برخوردار است. به‌منظور بزرگداشت یاد و خاطره این پژوهشگر فقید در این مقاله یکی از بناهای شاخص این شهر یعنی بنای امامزاده جعفر، از نظر معماری بررسی و تحلیل می‌گردد. متوفی در این بنا یعنی جعفر بن محمد(ع) خود از نوادگان امام سجاد(ع) است که در اواخر قرن ۳ ق/۹ م به شهادت رسید و در دامغان به خاک سپرده شد. نام این بنا به دلیل شاخص بودنش در این شهر دامغان در منابع مختلفی ذکر و به‌صورت اجمالی و تفصیلی موردبحث و اشاره واقع شده ولی علی‌رغم ارزش‌های آن تاکنون یک بررسی کامل در مورد معماری آن ارائه نگردیده است.[2] یافته‌هایی در مورد این بنا توسط دکتر شهریار

---

*. عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

۱. برای نمونه می توان به مقالات ذیل اشاره نمود:

Adle, Chahryar," Contribution à La géoraphie historique du Damghan. *Le Monde Iranien et L' Islam* 1 (1971), pp. 69-104.

de Damghan, . *Le Monde Iranien et L' Islam* 2 (1974), pp. 173-85. “ Note sur le Qabr-i Šāhrūḫ-

- "Recherches archéologique en Iran sur Le Kumes médiéval. Rapport préliminaire pour 1982-1983." *Académie des Inscriptions et Belles-Lettres, Comptes Rendues des Séances de l’ Année* 1984, 297-300.

- "Damghan", *Encyclopaedia Iranica,* 1993, vol. VI, pp.632-8.

- and Assadullah Suren Melikian-Chirvani, "Les monuments du XLe siècle du Dāmqān." *Studia Iranica* 1 (1972), 229-97.

- عدل، شهریار، " کتیبه های کاشی منار مسجد جامع دامغان"، *مجله اثر*، شماره ۹- ۷ ، ۱۳۶۱.

۲. برای مثال می‌توان به دو نمونه ذیل مراجعه کرد:

عدل در بیش از سه ده قبل منتشر شده[۳] و مطالعه نگارنده در ادامه آن ولی از زاویه‌ای دیگر، به دنبال رمزگشایی از سیر تحول معماری آن است.

این بررسی حاصل مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای می‌باشد که نتایج آن در قالب شیوه‌ای توصیفی تحلیلی بیان شده است. ابتدا به‌صورت مختصر به تاریخ شهر دامغان به‌عنوان بستر برپایی اثر و سپس بر پایه شواهد معماری موجود و نیز مطالعه تطبیقی به تحلیل، بررسی و سیر تحول معماری بنای مذکور می‌پردازد.

شایان‌ذکر است که نقشه‌های دقیق این اثر که اخیراً توسط اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان سمنان تهیه شده است برای اولین بار در این مقاله منتشر می‌گردد.

نگاهی به دامغان[۴]

شهر دامغان یکی از شهرهای قدیمی و تاریخی ایران و جهان است. این شهر در منابع تاریخی غربی نسبتاً شناخته‌شده و از آن به‌عنوان شهر صددروازه نام برده شده است، هرچند که کاوش‌های باستان‌شناسی دهه‌های اخیر این مطلب را تائید نمی‌کند. دامغان به مدت طولانی مرکز ایالت کوچک "قومس یا کومش" بود ولی امروزه بخشی از استان سمنان است. در مورد نام شهر فرضیات متفاوتی وجود دارد ولی به نظر می‌رسد که نام اولیه این شهر "ده مغان "بوده که بعدها به "دامغان" تبدیل شده است. این شهر در حال حاضر در مسیر اصلی تهران به مشهد، یعنی یکی از پر رفت‌وآمدترین مسیرهای تردد امروزی در کشور، قرار دارد. همچنین این شهر در نقطه‌ای قرار دارد که منطقه مازندران را به منطقه مرکزی ایران شامل استان‌های یزد و اصفهان متصل می‌کند.

ازنظر جغرافیایی این شهر بر روی کمربند باریک حاصلخیزی واقع شده که از سمت شمال به سلسله جبال البرز و از جنوب به کویر محدود و حیات آن مدیون جریان آبی است که از دوره اسلامی تا به امروز "چشمه‌علی" خوانده می‌شود. وجود اراضی حاصلخیز ونیز آب کافی باعث پدید آمدن استقرارهای کهن

-حقیقت (رفیع) ، عبد الرفیع، ۱۳۴۴، *تاریخ قومس*، تهران، انتشارات اطلاعات، ص ص ۳۴۱-۳۳۷.

- کشاورز، علی اصغر، ۱۳۷۰، *تاریخ و جغرافیای دامغان*، تهران، انتشارات هیرمند، ص ص ۹۶-۹۰ .

۳. نگاه کنید به Adle 1984: 292-297.

۴. عمده مطالب این بخش از منابع ذیل استخراج شده است:

- موسوی، احمد، ۱۳۸۳، "تاریخ شهر دامغان"، در کتاب *بناها و شهر دامغان*، تهران، نشر فضا.

Lockhart, L., *Persian Cities*, (London, 1960), pp.87-93.

Adle 1993: 632-8.

در این مکان گردیده است. قدیمی‌ترین مورد آن به دوره پیش‌ازتاریخ برمی‌گردد که آثارش در حفاری‌های سال ۱۲- ۱۳۱۱ ش / ۳۲- ۱۹۳۱ م در محوطه‌ای که امروزه تپه حصار نام دارد، در ۳ کیلومتری جنوب شرقی شهر دامغان، توسط اریک اشمیت،[5] باستان‌شناس آلمانی‌تبار آمریکایی کشف گردید. وی همچنین موفق شد تا بقایای یک کاخ ساسانی، احتمالاً مربوط به اواخر قرن ۶ م را در همین محوطه پیدا و معرفی نماید.

یکی از عناصر پایدار این شهر، دیوار دفاعی آن است که ظاهراً سابقه احداثش به اواخر دوره ساسانی برمی‌گردد. دیوار موجود، بقایای دیواری است که احداث آن در قرن ۴ ق/ ۱۰ م آغاز و البته در دوره‌های بعد تخریب و بازسازی شد و امروز فقط قسمتی از آن پابرجاست. از نام دامغان تا نیمه قرن ۳ ق/ ۹ م اثری در متون به چشم نمی‌خورد و گاهی نیز از آن به نام قومس یاد می‌شود. هرچند که چهره پیش از اسلام شهر دامغان هنوز کاملاً روشن نیست، ولی به نظر می‌رسد که این شهر پیش از ورود سپاه اسلام وجود داشته است، زیرا در منابع اسلامی به حمله اعراب به آن در سال‌های ۲۲ ق/۶۴۳ م و ۳۰ ق/۲- ۶۵۱ م اشاره دارد که قطعاً در حوالی یکی از این سال‌ها نیز شهر تصرف گردید. قدیمی‌ترین سکه‌های شناخته‌شده با نام دامغان به تاریخ ۳۳۶ ق/ ۷۷-۹۷۶ م و ۳۶۹ ق/ ۸۰-۹۷۹ م می‌باشند، اما سکه‌های اولیه قدیمی تاریخی میان ۹۱ ق/ ۷۰۹ م و ۱۷۰ م /۷۸۷ ق دارند.

شهر دامغان خیلی زود به پایگاهی برای استقرار سپاه اسلام برای حمله و تسخیر طبرستان تبدیل شد و به‌تدریج موردتوجه خلفای عباسی در آن دوره قرار گرفت و گسترش یافت. با توجه به سیاست ایشان در ساخت مسجد جامع در شهرهای بزرگ، مسجد جامعی که امروزه به "مسجد تاریخانه" معروف است در حدود نیمه قرن ۲ ق/۸ م در این شهر ساخته می‌شود که خود باعث توسعه شهری آن می‌گردد. وقوع زلزله‌ای در دوره حکومت طاهریان (۷۸-۲۰۵ ق/ ۹۱-۸۲۱ م)، در سال ۲۴۲ ق/۸۵۶ م به شهر آسیب شدیدی وارد می‌کند و در پی آن مرکزیت شهر به زمین‌های واقع در شمال تاریخانه منتقل می‌گردد.

شهر دامغان در حدود سال ۲۵۹ ق / ۵- ۸۶۴ م توسط حکومت علویان طبرستان فتح شد و تقریباً تا سال ۳۱۶ ق/ ۹۲۸ م تحت حکمروایی ایشان بود. تاریخ دامغان و قومس تا اواخر قرن ۴ ق/۱۰م مشتمل بر جنگ و درگیری میان خاندان‌های مستقل ایرانی سامانی، آل‌بویه، زیاری و علوی بود. جغرافی‌دانان عرب در قرن ۴ ق/۱۰ م به توصیف کلی و مختصر اوضاع دامغان می‌پردازند ولی مقدسی در کتابش *احسن التقاسیم* (۳۷۵ ق/ ۹۸۵ ق)[6] جزئیات بیشتری از شهر ارائه می‌کند. وی دامغان را شهری کوچک با

---

5. Erich Friedrich Schmidt

۶. مقدسی، ابو عبدالله محمد ابن احمد، ۱۳۶۱، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت

گرمابه‌های بد و بازارهای زشت توصیف می‌کند که دژی با سه دروازه به نام‌های ری، خراسان و غیره دارد. وی همچنین می‌گوید که شهر دو بازار کوچک بالا و پائین و جامعی پاکیزه و خوش‌منظر در کوچه دارد.

در نیمه اول قرن ۵ ق/۱۱ م شهر دامغان تحت حکومت آل زیار (۴۸۳- ۳۱۹ ق/ ۱۰۹۰-۹۳۱ م) قرار می‌گیرد و رونق شهر در دوره حکمرانی ابو حرب بختیار، حاکم زیاری شهر آغاز می‌گردد. وی پس از به قدرت رسیدن غزنویان همچنان قدرت خود را تا سال ۴۳۱ ق/۱۰۴۰ م، در دامغان حفظ می‌کند. در دوره فرمانروایی وی بناهای ارزشمندی مانند مقبره پیر علمدار (۴۱۷ ق/ ۱۰۲۶ م) و منار مجاور مسجد تاریخانه (۱۹-۴۱۸ ق/۲۸-۱۰۲۷ م) در این شهر ساخته می‌شوند. با به قدرت رسیدن سلجوقیان، طغرل سلجوقی پسرعمه خود قتلمش را در سال ۴۳۲ ق/ ۲-۱۰۴۱ م به حکومت دامغان، گرگان و طبرستان گمارد. وی نیز یکی از فرماندهان دیلمی را بنام اسفار بن کردویه به حکومت دامغان گمارد و وی نیز در سال ۴۶۶ ق/ ۵-۱۰۵۴ م بنای برج مقبره زیبای چهل‌دختران را در این شهر بنا کرد. در نیمه دوم قرن ۵ ق/۱۱ م نیز منار موجود و اندکی بعد نیز مسجد جامع فعلی شهر بنا گردیدند. این اقدامات خود حکایت از رونق و توسعه شهری دامغان در این دوره دارد.

در اواخر قرن ۵ ق/۱۱ م نیز اسماعیلیان که در گرد کوه از قلعه و پایگاه مستحکمی برخوردار بودند قدرت سلجوقیان را به چالش کشیدند. به‌طورکلی علیرغم منازعات امرای سلجوقی با یکدیگر و نیز حملات فرقه اسماعیلیان، شهر دامغان تا پیش از حمله مغول از رونق و توسعه برخوردار گردید و جمعیتش افزونی یافت. حمله مغول برای مردم این منطقه جز تباهی و ویرانی چیزی در پی نداشت. مغولان که نتوانستند گرد کوه را تصرف کنند به غارت و کشتار مردم دامغان پرداختند و حصار شهر را به آب بستند و بخش عمده آن را تخریب کردند. در این دوره اسماعیلیان قدرتشان افزایش یافت که تقریباً تا حدود ۶۵۸ ق/ ۱۲۶۰ م به طول کشید.

در دوره ایلخانان مغول نیز دامغان دچار آسیب‌های زیادی شد ولی به دلیل موقعیتش در مسیر جاده‌های تجاری به‌تدریج توانست وضعیت و رونق گذشته خود را تا حدودی بازیابد. وجود بقایای کتیبه‌ای مربوط به مسجدی و نیز کاشی‌کاری تزئینی کاخی در این شهر _ که بعداً به اشاره خواهد شد- نشانی از این بهبودی دارد.[۷]

با به قدرت رسیدن سربداران در سبزوار در سال ۷۳۷ ق/ ۸-۱۳۳۷ م، دامغان نیز تحت تأثیر ایشان قرار گرفت و در سال ۷۶۳ ق/ ۲-۱۳۶۱ م پیروان این گروه در دامغان به حکومت رسیدند. در سال ۷۶۳

مولفان و مترجمان ایران.

۷. برای این دو نگاه کنید به :

Wilber, D., *the Architecture of Islamic Iran. The Ilkhanid Period*, vol. 1 (New York, 1969), pp 111,149.

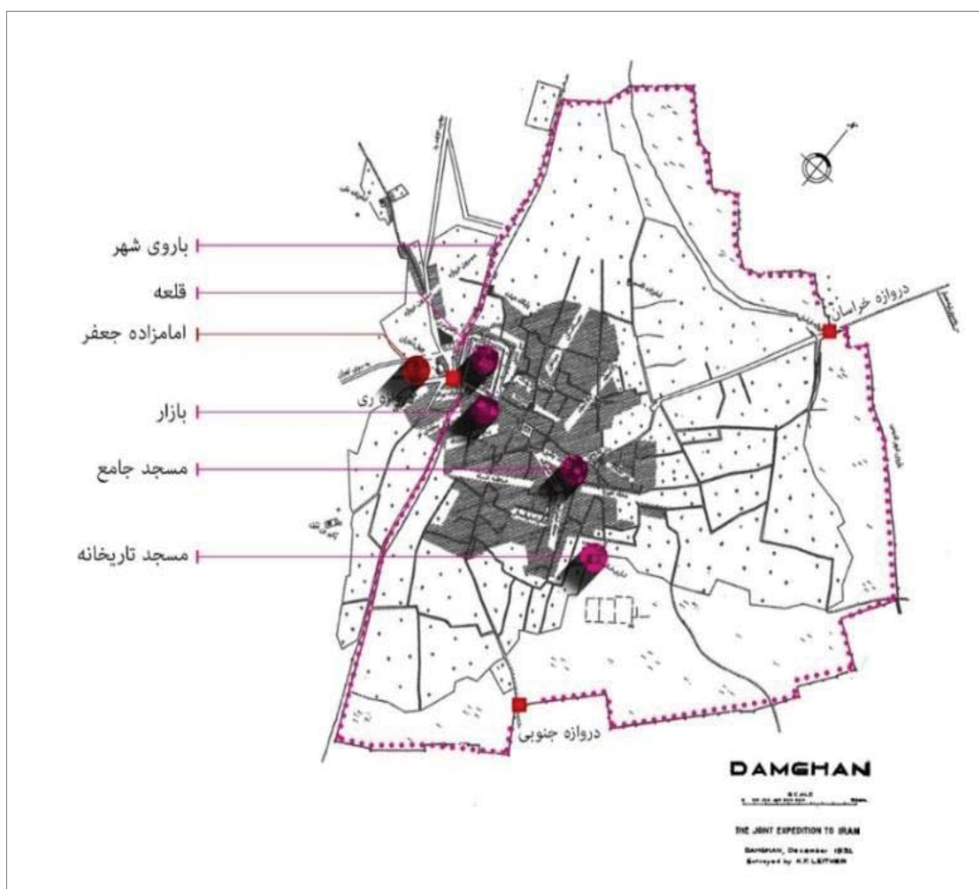
ق/ ۲- ۱۳۶۱ م، علی مؤید سکه شیعی در دامغان ضرب کرد و در همین دوران شیعه به‌عنوان مذهب رسمی در این شهر پذیرفته شد. حمله تیمور (۸۰۷- ۷۷۱ ق/ ۱۴۰۵-۱۳۷۰ م) باعث بدبختی و ویرانی بخشی از شهر دامغان شد. شاهرخ میرزا تیموری (۸۵۰-۸۰۷ ق/ ۱۴۴۷- ۱۴۰۵ م)، که پس از جنگ با سایر رقبایش جانشین پدرش گردید، سعی نمود تا در حد امکان خرابی‌های دوره وی را جبران نماید. در این دوره اوضاع دامغان رو به بهبود گذاشت و حتی حصار و برج و باروی آن‌که در دوره مغول رو به ویرانی نهاده بود جدا احیا گردید. بنای مربع شکل که در کنار ساختمان امامزاده جعفر قرار دارد و به خانقاه معروف است نیز احتمالاً در همین دوره به‌صورت ا ساسی تعمیر گردید.

در دوره صفوی، شیبک خان ازبک در سال ۹۱۴ ق/ ۱۵۰۸ م به دامغان حمله و شهر را تخریب و غارت نمود. در سال ۹۱۶ ق/ ۱۱-۱۵۱۰ م، شاه اسماعیل (۹۳۰-۹۰۷ ق / ۲۴- ۱۵۰۱ م) این شهر را از ازبکان پس گرفت. دامغان دوباره در سال ۹۳۳ ق/ ۱۵۷۲ م توسط ازبکان تصرف گردید ولی یک سال بعد مجدداً توسط شاه‌طهماسب (۸۴- ۹۳۰ ق / ۷۶-۱۵۲۴ م) آزاد و تا حدود دو قرن بعد یعنی هنگام فتح اصفهان توسط افغان‌ها در سال ۱۱۳۵ ق/ ۱۷۲۲ م این شهر در دست صفویان باقی ماند.

شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۵ ق / ۱۶۲۹- ۱۵۸۷ م) در مسیر زیارت معروفش با پای پیاده به مشهد در سال ۱۰۰۹ ق/ ۲-۱۶۰۱ م، از شهر دامغان عبور کرد و سپس دستور تعمیر بناهای مخروبه شهر را صادر کرد. به‌طورکلی شهر در دوره صفوی از آرامش و رونق برخوردار بود و توسعه یافت. کاروانسرای موجود در نزدیکی محوطه امامزاده جعفر که درگذشته در خارج از حصار شهر بود از یادگارهای همین دوره است. در اواخر دوره صفوی، خاندان قاجار در دامغان و سمنان صاحب قدرت گردیدند. فتحعلی بیگ قاجار که در این زمان حاکم سمنان بود، پس از محاصره طولانی دامغان این شهر را به تصرف خود درآورد. ولی بعداً به‌وسیله نادرشاه (۶۰- ۱۱۴۸ ق/ ۴۸- ۱۷۳۶ م)، به قتل رسید. شکست اشرف افغان توسط نادرشاه در مهماندوست - ۲۱ کیلومتری شرق شهر دامغان- در سال ۱۱۴۲ ق/ ۱۷۲۹ م، روی داد. به دلیل نارضایتی نادرشاه از داروغه شهر، بخشی از شهر در اثر درگیری و تیراندازی طرفین تخریب شد؛ اما وی بعداً دستور داد تا دیوار کوچک دفاعی پیرامون شهر احداث گردد.

در دوره زندیه (۱۲۰۹-۱۱۶۴ ق/ ۹۴-۱۷۵۱ م) قدرت قاجارها در این منطقه رو به افزایش گذاشت و حسین قلی خان قاجار- برادر آقا محمدخان- ملقب به جهانسوز از سوی کریم‌خان (۹۳-۱۱۶۴ ق/ ۷۹-۱۷۵۱ م) به حکومت دامغان گماشته شد و در همین دوران پسر وی فتحعلی شاه قاجار (۵۰-۱۲۱۲ ق/ ۱۸۳۴/ ۱۷۹۷ م)، در این شهر به دنیا آمد. فتحعلی شاه قاجار در دوران پادشاهی خود (۵۰-۱۲۱۲ ق/ ۱۸۳۴- ۱۷۹۷ م)، اغلب به دامغان سرکشی می‌کرد و بنایی زیبایی در دو طبقه در محل موردعلاقه‌اش یعنی چشمه‌علی احداث نمود که هنوز پابرجاست. در دوره ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ ق / ۹۶- ۱۸۴۸ م) اوضاع شهر دامغان بهتر گردید و اعتمادالسلطنه در کتابش *مطلع الشمس* ۱۳۰۱ ق/ ۵ -۱۸۸۴ ضمن شرح اندازه شهر از ۵ دروازه و ۶ محله آن نام می‌برد. در دوره پهلوی نیز با احداث خیابان‌های جدید و

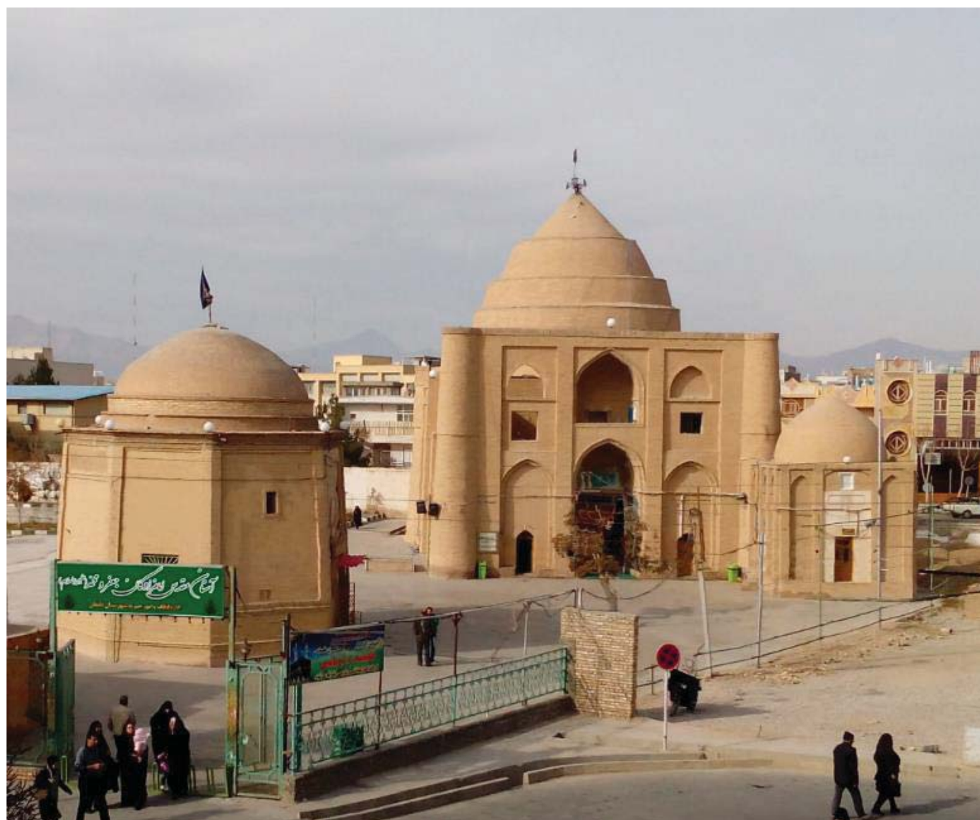
بناهای نوساز شهر و شهرنشینی گسترش می‌یابد ولی چهره و ساختار آن تغیر چندانی پیدا نمی‌کند (نقشه ۱).



نقشه ۱. موقعیت عناصر تاریخی شهر بر روی نقشه ۱۳۱۰/ ش ۱۹۳۱ م
مأخذ: Schmidt 1937: fig.5

توصیف بنا

بنای امامزاده جعفر تا حدود یک‌صد سال پیش در خارج از حصار دامغان و در میان گورستان شهر قرار داشت، ولی امروزه این بنا در مرکز شهر و در کنار خیابان امام خمینی و در درون محوطه‌ای هم‌جوار با سه بنای تاریخی دیگر، واقع است (تصویر ۱).



تصویر ۱. دورنمای مجموعه امامزاده جعفر، عکس از نگارنده

در سمت شمال غربی بنای فعلی امامزاده و به فاصله اندک حدود ۲ متر، بنای شکوهمند چهل‌دختران قرار دارد. در سمت شرق و چسبیده به امامزاده جعفر بنای مربع شکلی معروف به خانقاه شاهرخ و در سمت جنوب شرقی و به فاصله ۱۶ متر از ساختمان امامزاده، بنای هشت‌ضلعی امام‌زاده محمد قرار دارد.

بنای چهل‌دختران از دو بنای دیگر قدیمی‌تر و برجسته‌تر است. تزئینات باشکوه این بنا، آن را به یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های برج‌های آرامگاه‌های موجود در ایران تبدیل نموده است.[۸] عملکرد بنای معروف به خانقاه شاهرخ دقیقاً روشن نیست ولی بر اساس کتیبه‌ای با خط ثلث که در بالای در ورودی آن وجود دارد، این بنا در زمان حکومت شاهرخ تیموری ساخته شده است، ولی تاریخ ساخت اولیه آن به دوره

---

۸. برای این بنا نگاه کنید به Adle and Melikian- Chirvani 1972: 256-58 و نیز

Blair, S., *Monumental Inscriptions from early Islamic Iran and Transoxiana*, (Leiden, 1992), pp.123-25.

سلجوقی نسبت داده می‌شود.[۹] تاریخ احداث بنای امامزاده محمد که ظاهراً از فرزندان امام موسی کاظم(ع) می‌باشد نیز احتمالاً مربوط به دوره تیموری است، هرچند که این تاریخ‌گذاری نیازمند مطالعه دقیق‌تری است. تا اوایل دوره رضاشاه و پیش از خیابان‌کشی‌های جدید و تخریب دیوار شهرها، این بنا در خارج از حصار شهر قرار داشت و گورستانی نیز در کنار آن بود. وجود این گورستان به همراه سایر بناهای مذکور در کنار آن، نشان از اهمیت و جایگاه معنوی متوفی دارد که مانند مرکزی جذاب آن‌ها را در پیرامون خود شکل داده است.[۱۰]

ورودی اصلی آرامگاه امام‌زاده جعفر در داخل ایوانی است که در سمت جنوب شرقی و در مرکز نمای رفیع آن قرار دارد (تصویر ۲). عرض و عمق این ایوان ۳ متر است که در بالای آن قوس تیزه داری به ارتفاع ۶/۳۲ متر به چشم می‌خورد. در انتهای این ایوان دری به عرض ۱/۵ متر و ارتفاع ۲ متر امکان دسترسی به داخل بنا را فراهم می‌کند. دو بدنه شرقی و غربی ایوان با کاشی پوشیده شده و بر روی هر دیوار کتیبه‌ای سنگی نصب گردیده است.

---

۹. لیزا گلمبک و دو نالد ویلبر اعتقاد دارند که این بنا متعلق به دوره سلجوقی و الحاقات دوره تیموری در آن نمایان است که به عقیده شهریار عدل کارهای تیموری متعلق به سالهای اولیه سلطنت شاهرخ، مابین سالهای ۸۱۰ تا ۸۱۵ ق می باشند.. نگاه کنید به :

Golombek, *L. and Wilber, D., the Timurid Architecture of Iran and Turan*, (Princeton, 1988), p.375.

عدل نیز این بنا را متعلق به اواخر دوره سلجوقی می داند و معتقد است که محل ملاقات صوفیان در دوره شاهرخ تیموری می باشد، که بعدا شاهرخ پسر نادر شاه افشار در سال ۱۲۱۰ق/ ۱۷۹۶ م در این بنا دفن گردید (Adle 1993: 636).

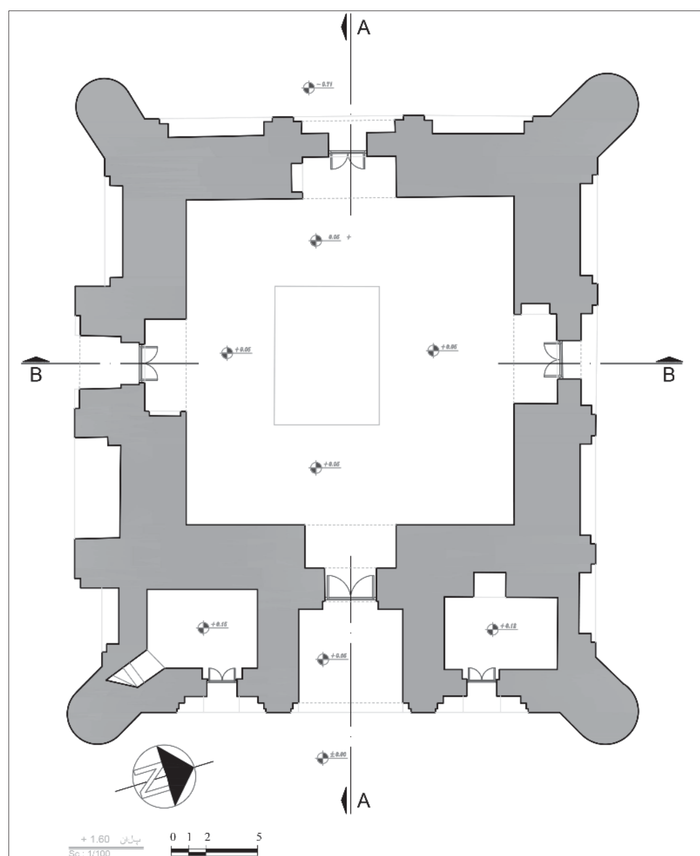
۱۰. در دهه ۱۳۴۰ ش/۱۹۶۰ م بر روی این گورستان قدیمی مدرسه ای ساخته شد. ابتدا در اواخر دهه ۱۳۷۰ ش/ ۱۹۹۰ م، دیوار مجاور آن با امامزاده از میان برداشته شد و سپس کل مدرسه در سال ۱۳۸۶ ش/ ۲۰۰۷ م، تخریب گردید.



تصویر ۲. نمای ورودی امامزاده جعفر، عکس از نگارنده

در هر طرف این ایوان ورودی یک اتاق به ابعاد ۲/۳۰×۳/۳۰ متر قرار دارد. در گوشه جنوبی اتاق جنوبی، راه‌پله کوچک مدوری به عرض حدود ۶۰ سانتی‌متر امکان دسترسی به پشت‌بام را میسر می‌سازد. در هر گوشه خارجی بنا یک نیم‌برج مدور آجری، قرار دارد. ارتفاع دو نیم برج شمالی و غربی بنا در حال حاضر ۹/۹۶ متر است که البته ارتفاع این دو در تعمیرات اخیر حدود یک متر، به خاطر احداث دست‌انداز افزایش یافته است.

پشت ایوان ورودی بنا، گنبدخانه مربع شکل بنا قرار دارد که ابعاد داخلی آن تقریباً ۹/۵×۹/۵ متر است (نقشه ۲).



نقشه ۲. پلان طبقه همکف بنا، ماخذ: اداره کل میراث فرهنگی استان سمنان

این بزرگی ابعاد گنبد خانه نشانگر اهمیت متوفی و نیز میزان زیاد تعداد بازدیدکنندگان و یا به‌عبارت‌دیگر زائرین وی است. در وسط هر ضلع آن طاق نمایی به عرض متوسط ۲/۶۱ متر و ارتفاع ۵/۹۸ و عمق ۱ متر قرار دارد. احتمالاً این تاق نماها در گذشته درهای ورودی بنا بوده‌اند که امروز دوتا از آن‌ها یعنی در جنوبی و در غربی هنوز عملکرد خود را حفظ کرده‌اند و درهای دیگر تبدیل به پنجره طولی امروزی شده‌اند.

در فاصله ۶/۸۰ متر از سطح کف بنا منطقه انتقال نیروی گنبد (چپیره) شامل ۸ تاق با قوس تیزه دار به ارتفاع ۳/۸۰ متر، دورتادور فضای گنبدخانه قرار دارند که زمینه اتصال گوشه‌های مکعب گنبدخانه را به قاعده مدور گنبد از طریق ایجاد یک هشت‌ضلعی فراهم می‌نماید (تصویر ۳). درون این تاق‌ها با نوعی از آجرچینی که به‌صورت ردیفی از آجرهای پیش و عقب نشسته که بر روی یکدیگر قرار دارند تزیین

شده است. این نوع تزئین را که به "پتکین" معروف است[۱۱] می‌توان در بنای معروف به گنبد غازان خان (در حدود ۷۰۰ ق/ ۱۳۰۰ م) در مجموعه بسطام مشاهده نمود.[۱۲] همچنین پتکین در سایر بناهای شهر دامغان، مانند" گنبد زنگوله" و " مسجد حاج شکرالله" هردو احتمالاً متعلق به نیمه اول قرن ۸ ق / ۱۴م نیز به چشم می‌خورد.



تصویر ۳. نمایی گوشه سازی گنبد به شیوه پتکین، عکس از نگارنده

پیرامون ورودی بنا در سمت جنوب غربی، قاب مستطیل شکل عمودی قرار دارد. با توجه به نوع آجرکاری این قاب و نیز وجود بقایای قوس دیگری که اکنون در داخل این قاب مشهود است، الحاقی بودن آن محتمل است. همچنین در این نما، در حدفاصل میان ورودی و نیز برج گوشه جنوبی بنا، جرزی آجری مشاهده می‌شود که احتمالاً پشت‌بندی می‌باشد که در گذشته برای استحکام‌بخشی ساخته شده است (تصویر ۴).

---

۱۱. پتکین به معنی پیش آمده می باشد. نگاه کنید به پیرنیا، محمد کریم، ۱۳۷۰، " گنبد در معماری ایران"، اثر، شماره ۲۰، ص. ۳۲.

۱۲. Adle, C., 1989, "Bestam", *Encyclopaedia Iranica,* , vol. IV, Fasc 2, p. 180



تصویر ۴. نمای شمال شرقی بنا، عکس از نگارنده

نماهای بیرونی بنا به‌وسیله قاب‌های آجری با عرض متوسط ۲/۶۷ متر که بر فراز آن‌ها قوس تیزه داری وجود دارد، تزیین‌شده‌اند. در نمای شمال غربی بنا ۳ قاب و در نماهای شمال شرقی و جنوب غربی ۴ قاب وجود دارند که البته در هریک از این نماهای اخیر، دو قاب که در منتهی‌الیه جنوبی بنا کم عرض‌تر و کوتاه‌تر از سایر قاب‌های آجری مجاور می‌باشند. هر یک از این قاب‌های کوچک بر روی نمای هریک از اتاق‌های دو طرف ایوان ورودی اصلی قرار دارند؛ بنابراین با توجه به این تفاوت اندازه در قاب‌بندی نمای این سه جبهه، می‌توان نتیجه گرفت که قسمت ورودی به بنا الحاقی هستند (تصویر ۵). نکته دیگر پیش نشستگی پاکار قوس‌های هریک از این تاق نماها است که حکایت از نقش تزئینی آن‌ها دارد، چنین طرحی را نیز می‌توان در بنای معروف به گنبد غازان خان در بسطام مشاهده کرد. این نوع تزیین در قوس‌های قاب‌های کوچک‌تر مشاهده نمی‌شود که خود نشان از تفاوت زمانی و شیوه ساخت با سایر تاق نماها دارد.

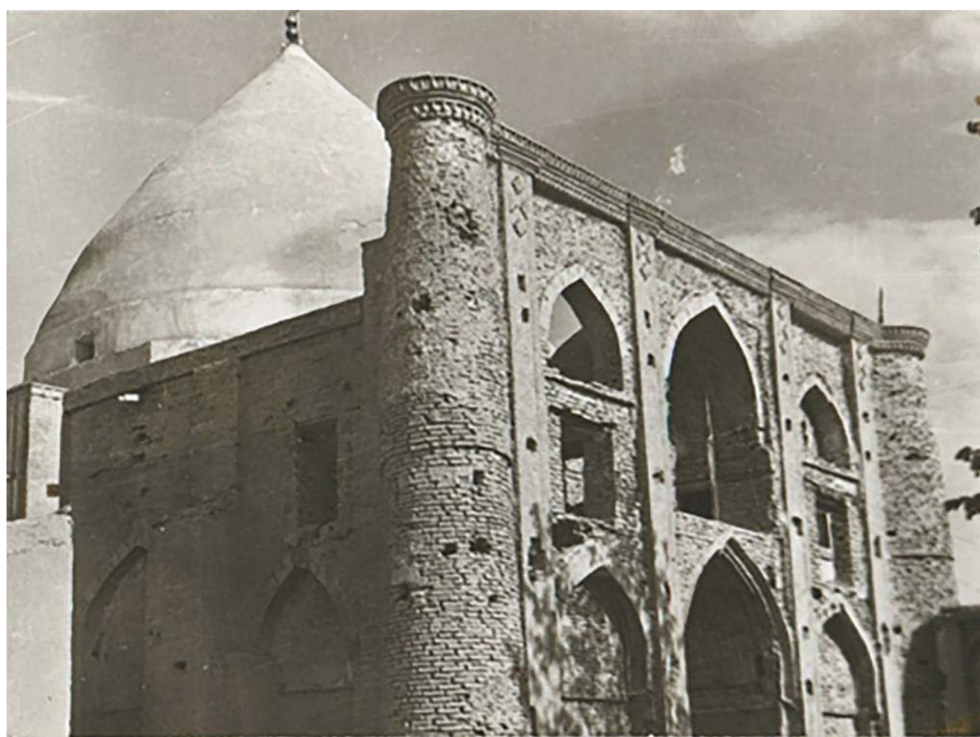


تصویر ۵. نمای شمال شرقی بنا، عکس از نگارنده

نمای جنوب شرقی یا همان نمای جبهه ورودی (اصلی) بنا به‌طورکلی با سایر نماهای بنا ازنظر اجزاء ونیز شکل متفاوت است. این نما از ۳ قاب مستطیل شکل عمودی تشکیل شده که در داخل هریک تقسیمات کوچک‌تری وجود دارند. قاب میانی به عرض ۳ متر دربردارنده ایوان ورودی است و در بالای آن نیز ایوانی که بر فرازش قوس تیزه داری مشاهده می‌شود. دو قاب دیگر که در دو طرف ورودی قرار دارند نیز تقریباً قرینه می‌باشند. در هریک از این قاب‌ها و در سطح پایین آن، قابی که قوسی تیزه‌دار بر بالای آن به چشم می‌خورد و در پایین آن در سطح همکف دری به عرض ۸۵ سانتی‌متر و ارتفاع ۱/۸۵ متر وجود دارد. در سطح بالای آن نیز به ترتیب یک گشودگی مربع شکل و در بالای آن نیز دوباره یک گشودگی دیگری به شکل یک قاب با قوسی تیزه دار مشاهده می‌شود. این گشودگی‌ها و نیز ایوان بالای ورودی ازنظر بصری ترکیب پر و خالی را ایجاد نموده که نمای بلند و آجری این جبهه را سبک‌تر جلوه می‌دهد. هرچند که بعضی از این گشودگی‌ها در حال حاضر مسدود شده اما این ترکیب هنوز در میان نمای بناهای موجود تاریخی کشور کم‌نظیر و جذاب است. در منتهی‌الیه هر طرف نمای این سمت، یک

نیم برج به ارتفاع ۱۱/۵ متر قرار دارد.[۱۳] شایان‌ذکر است که وجود چهار برج در چهارگوشه این آرامگاه، شکل و خصوصیت کم‌نظیری در معماری تدفینی دوره اسلامی ایران است.

عکسی از نمای امامزاده جعفر که در پیش از تعمیرات دهه ۱۳۶۰ ش/ دهه ۱۹۸۰ م برداشته‌شده نشان می‌دهد که در آن زمان در لبه دست‌انداز بام ردیفی از تزئینات قرار داشت (تصویر ۶).[۱۴] همچنین جرزهای آجری در حدفاصل قاب‌های آجری عمودی با آجر به شیوه راسته و خفته تزئین و نیز طرح‌های آجرکاری تزئینی در فواصل مشخص بر روی این سطوح قرار داشت. همه این تزئینات در هنگام مرمت بنا برچیده و آجرکاری ساده فعلی جایگزین آن‌ها شده است.



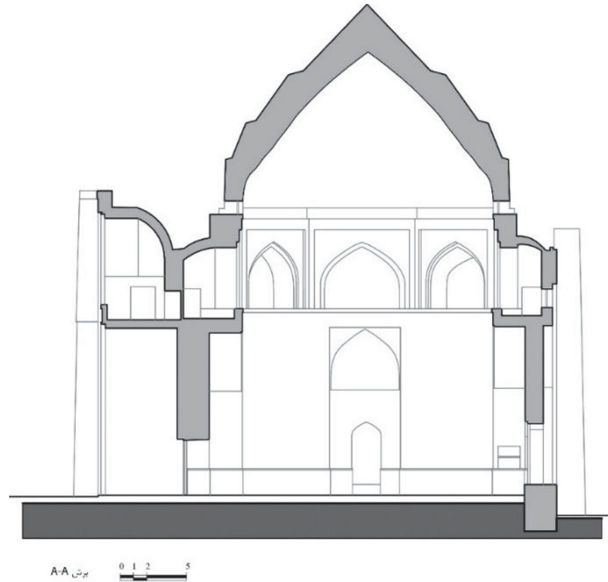
تصویر ۶. عکس بنا در پیش از تعمیرات سال ۱۳۶۰ ش، عکس از اداره کل میراث فرهنگی سمنان

---

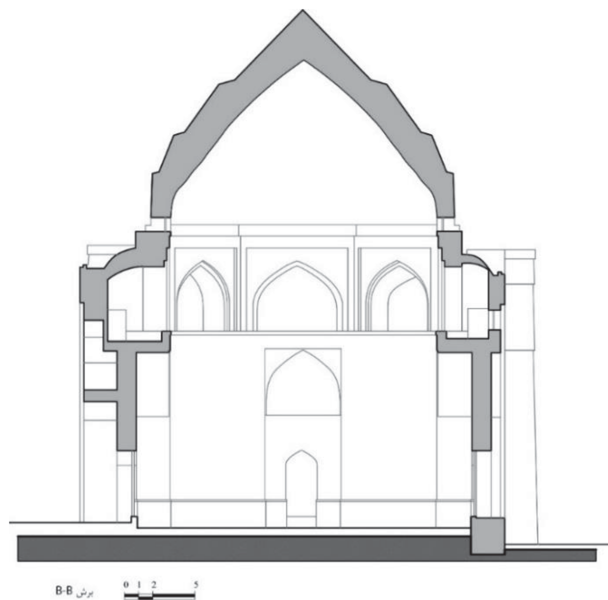
۱۳. نکته قابل توجه بلندی ارتفاع نمای جبهه ورودی است که گنبد بنا در پشت آن از نظر بیننده مخفی می شود. این ویژگی در بنای هارونیه در توس و نیز مسجد جامع سمنان قابل مشاهده است.

۱۴. نگارنده ار همکار ارجمند آقای مهندس سروش هاشمی بخاطر ارسال عکسهای تعمیرات این بنا و نیر سنگ قبر امامزاده که در آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سمنان موجود است تشکر می نماید.

بر فراز گنبدخانه، گنبد خشتی نسبتاً مرتفعی قرار دارد که ارتفاع نوک آن از سطح زمین ۱۸/۴۶ متر و در ارتفاع بالاترین نقطه داخلی آن از کف گنبدخانه ۱۶/۶۲ متر است (نقشه‌های ۱-۳ و ۲-۳).



نقشه ۱-۳. برش A-A از بنا، مأخذ: اداره کل میراث فرهنگی سمنان



نقشه ۲-۳. برش B-B از بنا، مأخذ: اداره کل میراث فرهنگی سمنان

نیمرخ گنبد امامزاده جعفر، شامل قوسی است که انحنایش بیشتر به سمت خط راست میل می‌نماید. به نظر می‌رسد که سازنده چنین گنبد رفیعی قصد داشته تا عظمت و ابهت برای این بنا فراهم و توجه‌ها را به‌سوی آن جلب نماید. عکسی قدیمی از این گنبد که توسط هنری ویوله[۱۵] در دهه ۱۹۱۰ م برداشته شده (تصویر ۷)، نشان می‌دهد که نیمرخ آن شبیه به نیمرخ گنبد بنای مجاورش یعنی چهل‌دختران است و احتمال دارد که طرح کلی گنبد امامزاده از آن الهام گرفته شده باشد. شایان‌ذکر است که گنبد بنای امام‌زاده علی در دامغان (تصویر ۸) ازنظر شکلی بسیار مشابه با گنبد بنای امامزاده جعفر می‌باشد.[۱۶]



تصویر ۷. چشم‌انداز بنا از سمت شمال شرق در سال ۱۹۱۰ م. عکس از هانری ویوله



تصویر ۸. چشم‌انداز بنای امامزاده علی در دامغان ۱۹۲۵ م، عکس از آرشیو مجموعه هرتسفلد

---

15. Henry Viollet

۱۶. در مورد معماری این بنا اطلاعاتی وجود ندارد و تاریخ ساخت و نام متوفی در این بنا مشخص نیست. حقیقت تاریخ روی سنگ قبر در داخل بنا را ۲۳۸ ق/ ۸۵۲ م ذکر می کند که قطعی نمی باشد (حقیقت ۱۳۴۴: ۳۴۳).

عکس ویوله به‌وضوح نشان می‌دهد که برای محافظت از سطح خارجی گنبد و نیز ایجاد جلوه بیرونی، روی آن را با گچ پوشانده و نمای آن را سفید کردند (تصویر ۹).



تصویر ۹. آغاز تعمیرات و بقایای روکش گچی روی گنبد در دهه ۱۳۶۰ ش، عکس از آرشیو اداره کل میراث فرهنگی سمنان

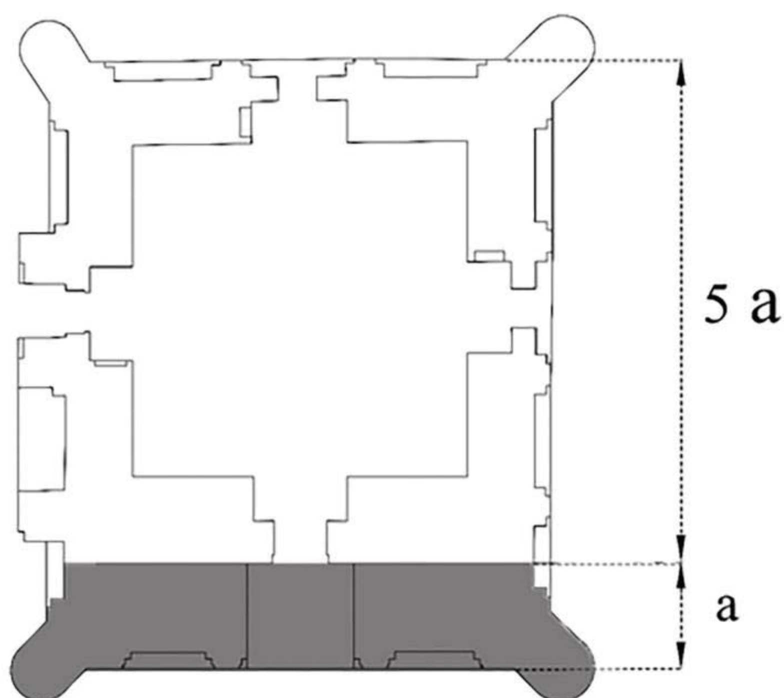
سدیدالسلطنه مینابی که از این بنا در سال ۱۳۱۵ ق / ۱۸۹۷ م دیدن کرده، گنبد آن را جدیدالاحداث ذکر نموده است که البته با توجه به قدمت بنا احتمالاً وی اشاره به همین پوشش گچی جدید بر روی آن دارد.[۱۷] عکسی از تعمیرات گنبد در دهه ۱۳۶۰ ش/ ۱۹۸۰ م نشان می‌دهد این اندود گچی در تعمیرات سال ۱۳۶۲ ش/ ۱۹۸۲ م، برداشته و روی آن با آجر به‌صورت پله‌ای موجود پوشانده شده است. این اقدام چهره اصلی گنبد را مخدوش نموده و اصالت شکلی آن را از بین برده است. ضخامت این گنبد موجود در رأس یا تیزه آن در حدود ۱/۷۲ متر، در حدفاصل پاکار تا تیزه به‌طور متوسط در حدود ۱ /۰۷ متر و در قسمت پاکار ۷۵ سانتیمتر است. با توجه به آجرچینی دور گنبد که شکل اصلی آن را تغییر داده، می‌توان

---

۱۷. سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمد علی خان، ۱۳۹۲ ، *سفرنامه سدید السلطنه (التدقیق فی سیر الطریق)*، با تصحیح تصحیح احمد اقتداری، تهران ، بنیاد موقوفات افشار، ص. ۲۴۵.

احتمال داد که شیوه ساخت این گنبد از نوع دوپوسته پیوسته است. در این گنبد فاصله دو پوسته زیرین و رویی تقریباً به هم چسبیده و در نوک گنبد این پوسته‌ها از یکدیگر فاصله می‌گیرند.[۱۸]

در بالای فضای گنبدخانه و در پیرامون چنبره گنبد، راهرو (مردگرد یا غلام‌گردش) قرار دارد که عرض آن بین ۶۳ تا ۷۴ سانتی‌متر متغیر است. این راهرو نقش سازه‌ای ندارد و عموماً به‌منظور ایجاد نمای یکپارچه بیرونی و فضای سرپوشیده درونی برای تسهیل در دسترسی و انجام تعمیرات لازم، در پیرامون پایه گنبد احداث شده است (نقشه ۴).



نقشه ۴. نمایش نسبت بخش ورودی الحاقی در دوره تیموری به گنبدخانه ایلخانی بنا، ماخذ: نگارنده

تزئینات بنا

در حال حاضر مهم‌ترین تزئینات بنا شامل سطحی از کاشی‌های قالبی به رنگ آبی روشن هشت‌پر و صلیبی‌شکل سورمه‌ای رنگ می‌باشند (تصویر ۱۰) که بر روی هر یک از دیوارهای دو طرف ایوان ورودی

---

۱۸. پیرنیا ۱۳۷۰ : ۶۳.

به چشم می‌خورند. این نوع کاشی در بناهای ایلخانی امامزاده سید اسحاق (۶۷۶ ق/ ۷۸-۱۲۷۷ م) و پیر بکران (۷۰۳ ق/ ۱۳۰۳ م) مشاهده می‌شود.[۱۹]

بر روی هر دیوار ایوان ورودی یک کتیبه سنگی در داخل سطح کاشی‌کاری‌ها قرار دارند. صنیع‌الدوله نخستین فردی است که به شرح آن‌ها در کتابش *مطلع‌الشمس* (۱۳۰۱ ق / ۴ -۱۸۸۳ م) پرداخته است.[۲۰] در مقابل در ورودی بنا و بر روی دیوار سمت چپ آن، قطعه‌سنگی در داخل کاشی‌کاری قرار دارد که بر روی آن کتیبه‌ای با خط نسخ به شرح و چگونگی مواردی می‌پردازد که واقف یعنی کیا اعظم سیف‌الدین علی‌بن رستم[۲۱] به‌منظور اطعام فقرا و مردم عادی آن‌ها را وقف نموده و تاریخ مندرج بر روی سنگ ۸۱۵ ق / ۱۴۱۲ م است.[۲۲] نکته قابل‌توجه در این وقف‌نامه به کار بردن عبارت "در هر مزاری یک چراغی را برافروزند و چراغ دیگر در خانقاه بنهند" است که احتمالاً مراد از خانقاه همین ساختمان مربع شکل چسبیده به بنای امامزاده جعفر است. تاریخ روی کتیبه با دوره سلطنت شاهرخ میرزای تیموری (۸۵۰-۸۰۷ ق / ۱۴۴۷-۱۴۰۵ م) مطابقت دارد. قطعه‌سنگ دیگری در سمت مقابل آن (راست) قرار دارد (تصویر ۱۱) که به شرح اخذ مالیات در دامغان می‌پردازد و تاریخ این کتیبه نیز ۸۵۱ ق / ۱۴۴۷ م است.[۲۳]

---

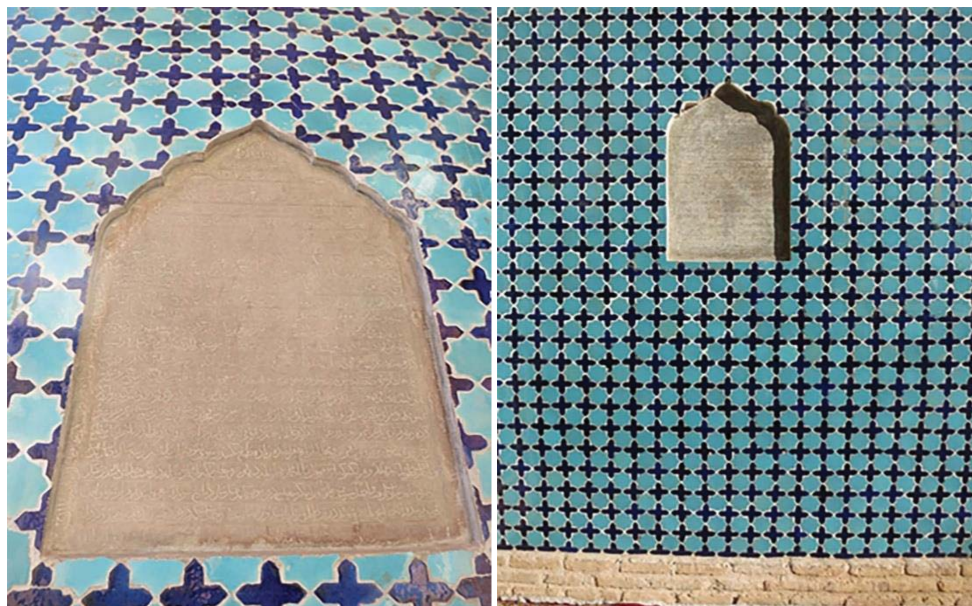
۱۹. برای تاریخ این دو بنا نگاه کنید به: .Wilber 1969: 113,121

۲۰ ، صنیع الدوله (اعتماد السلطنه)، محمد حسن خان ، ۱۳۶۲ ش، *مطلع الشمس*، جلدهای ۱ تا ۳، تهران، انتشارات پیشگام، ص ص۷۷-۲۷۳. شایان ذکر است که سایر محققین نیز به شرح این تزئینات پرداخته اند که منبع آنها نیز احتمالا همین کتاب بوده است.

۲۱. کیا لقب فرماروایان سلسه باوندیان اسپهبد یا آل باوند بود که به مدت طولانی (۷۵۰-۴۵ ق/ ۱۳۴۹-۶۶۵ م) بر مازندران و گیلان حکومت کردند. سومین شاخه از این سلسله بنام کین خاوریه، از سال ۶۳۵ تا ۷۵۰ ق/ ۱۲۳۸ تا ۱۳۴۹ م به مرکزیت شهرآمل بر بخش شرقی مازندران فعلی حکومت نمودند. هر چند این سلسله در سال ۷۵۰ ق/ ۱۳۴۹ م منقرض شدند ولی برخی از ایشان بعدا به مرعشیان مازندران پیوستند، بنابر این ممکن است کیا اعظم سیف الدین از فرزندان همین خاندان باشد که در این دوران نامش در کتیبه مذکور ذکر شده است.

۲۲. این وقف نامه بها همین مضمون ولی با انشایی دیگر به خط تعلیق بر روی کاغذ سمرقندی درج شده است که از نمونه‌های برجسته وقف نام در قرن ۹ق/۱۵ ه می باشد. برای اطلاع از این وقف نامه نگاه کنید به : شیخ الحکمایی، عماد، "وقفنامه کهن امامزاده جعفر دامغان"، *مجله میراث جاویدان*، سال ۲ ، ش. ۱ (۱۳۷۲)، ص.ص ۶۸-۵۸.

۲۳. صنیع الدواله ۱۳۶۲:. ص ص ۷۷-۲۷۴.



تصویر ۱۰. تزئینات کاشی بر روی دیوار سمت راست ایوان ورودی بنا، عکس از نگارنده
تصویر ۱۱. کتیبه بر روی دیوار سمت چپ ایوان ورودی بنا، عکس از نگارنده

درگذشته در بالای در ورودی بنا نیز تعدادی کاشی لعاب‌دار ستاره‌ای شکل وجود داشت که صنیع‌الدوله ضمن تشریح آن‌ها به اشعاری در حاشیه کاشی‌ها به تاریخ ۶۶۵ ق / ۱۲۶۷ م اشاره می‌کند. وی همچنین اظهار می‌دارد که این کاشی‌ها ظاهراً متعلق به این بنا نبوده و از جای دیگر به آنجا منتقل و نصب شده‌اند،[۲۴] هرچند که دلیلی بر این مدعا ارائه نمی‌کند. فریدریش زاره که در سال‌های پایانی قرن ۱۹ م از این بنا دیدن کرده معتقد است که این کاشی‌ها از کاخی خرابه‌ای به ایوان بنای امامزاده منتقل و نصب شده بودند.[۲۵] ظاهراً در اواخر دوره قاجار، این کاشی‌ها از این محل ربوده شده[۲۶] و اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شوند.[۲۷] اشعاری که در حاشیه این کاشی‌ها وجود دارد عیناً در کاشی‌های

---

۲۴. همان جا. ص ۲۷۴.

25. Sarre, F., 1901-1910, *Denkmaler Persischer Baukunst,* Belin, pp.67-8.

۲۶. کشاورز، علی اصغر ۱۳۷۰، *تاریخ و جغرافیای دامغان*، تهران، انتشارات هیرمند، ص.۹۱.

۲۷. برای دیدن تصویر از این کاشی‌ها نگاه کنید به :

Pope, A.U and Ackerman, P, *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present*, vol. IX, Soroush Press, Tehran, pl.721.

لعاب‌دار ایلخانی تخت سلیمان که متعلق به دهه ۶۷۰ ق / ۱۲۷۰ م است نیز مشاهده می‌گردد.[۲۸] این مشابهت احتمالاً نشان از یکسان بودن الگو و محل ساخت و تولید آن‌ها یعنی کاشان دارد. با توجه به این موضوع می‌توان کاشی‌های لعاب‌دار منقوش و احتمالاً کاشی‌های آبی و سرمه‌ای موجود در ایوان ورودی را در زمره قدیمی‌ترین کاشی‌های دوره ایلخانی برشمرد که کمتر به اهمیت آن‌ها توجه شده است. شایان‌ذکر است وجود این اشعار بر روی این کاشی‌ها، نمونه‌ای روشن از آغاز پیدایش زبان فارسی به‌عنوان عنصری نو بر روی تزئینات بناهای این دوره است که بعدها نیز ادامه می‌یابد.[۲۹]

داخل فضای گنبدخانه ساده و کتیبه‌ای به چشم نمی‌خورد. مشخص نیست که آیا این بنا از ابتدای ساخت فاقد کتیبه تزئینی بوده یا کتیبه اولیه آن بعداً به دلایلی ناپدید شده است. شایان‌ذکر است که کتیبه در فضای درونی بنای آرامگاهی زودتر از اواخر قرن ۴ ق/۱۰ م و اوایل قرن ۵ ق/۱۱ م در ایران بر جا نمانده است.[۳۰] پس می‌توان این احتمال را داد که در بنای اولیه آرامگاه امامزاده جعفر که در اواخر قرن ۳ ق/ ۹ م و یا اوایل قرن ۴ ق/ ۱۰ م ساخته شده بود، اصولاً کتیبه‌ای وجود نداشت و در دوره توسعه آرامگاه، به پیروی از همین سنت احتمالاً کتیبه‌ای نیز پیش‌بینی نگردید.

در وسط فضای گنبد خانه ضریح فولادی به ابعاد ۵/۴×۴ متر به چشم می‌خورد که در سال ۱۳۸۳ ش/ ۲۰۰۴ م ساخته و نصب گردیده است. در گذشته و قبل از تعمیرات دهه‌های اخیر بر روی قبر، صندوق چوبی کنده‌کاری‌شده‌ای به ابعاد ۱/۶۰×۲/۲۲×۳/۲۰ متر قرار داشت که در قسمت پایین این صندوق (روبروی در) نام استاد نجار، نظام‌الدین بن استاد علی‌بن علی نجار و در زیر آن نام بانی یعنی استاد محمدبن... صفار دامغانی و تاریخ آن شهر... سال اربع و ستین (۶۴) و ... است. رقم صدگان این تاریخ قابل‌خواندن نبوده ولی صنیع‌الدوله احتمال می‌دهد که این تاریخ ۷۶۴ ق است. وی همچنین اظهار می‌دارد که در زیر این صندوق چوبی، قبر امامزاده با گچبری بر روی آن مشاهده می‌شود ولی اشاره‌ای به جزئیات آن نمی‌کند.[۳۱]

---

۲۸. قوچانی، عبدالله ، ۱۳۷۱، *اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان* ، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ص ص. ۷۵، ۷۱، ۶۹، ۶۲.

۲۹. برای این بحث نگاه کنید به :

O'kane, B., "*Persian Poetry on Ilkhanid Art and Architecture*", in Linda Komaroff (ed.), *Beyond the Legacy of Genghis Khan*,(Leiden ,2006), pp.346-354.

۳۰. قدیمی ترین بنا از این نوع احتمالا بنای هشت ضلعی در نطنز می‌باشد که کتیبه آجری آن به تاریخ ۳۸۹ ق است. نگاه کنید به :

Blair, S., "The Octagonal Pavilion at Natanz: *A Re-examination of Early Islamic Architecture in Iran",* *Muqarnas* 1, (1983), pp.69-94.

۳۱. صنیع الدوله ۱۳۶۲: ۲۷۲.

در سال ۱۳۶۲ ش / ۱۹۸۳ م، دکتر شهریار عدل با کمک دفتر فنی حفاظت آثار باستانی استان سمنان موفق به برداشتن صندوق چوبی از روی قبر گردید و سنگ‌قبر متوفی که امروزه به‌صورت ایستاده در بالای قبر وجود دارد و کتیبه‌های کوفی مورق گچی که در پیرامون سطح زیرین آن گچبری شده‌اند و تا آن زمان ناشناخته بود، آشکار گردید (تصویر ۱۲) که وی در گزارشش به معرفی آن‌ها پرداخته است[۳۲].

بر اساس نوشته وی، بر روی سطح شمالی سنگ‌قبر موجود ایستاده، سوره توحید (قرآن کریم،۱۱۲) به خط کوفی و بر روی سطح جنوبی، کتیبه‌ای کوفی شامل نام و نسب متوفی به شرح ذیل است:

"بسم‌الله الرحمن الرحیم، هذالقبر الشهید جعفربن علی بن حسن بن علی بن عمربن علی ابن حسین بن علی."

تاریخ تحریر سنگ‌قبر به علت فرسایش قابل‌خواندن نیست. در ضلع شمالی صندوقه گچی قبر، عبارت بسم‌الله الرحمن الرحیم و در ادامه بخشی از آیت‌الکرسی (قرآن کریم ۲:۲۵۵) گچبری شده است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۲. سنگ‌قبر تاریخی بنا و کتیبه گچبری در قسمت تحتانی آن، عکس از اداره کل میراث فرهنگی سمنان
تصویر ۱۳. سنگ‌قبر تاریخی بنا و بخشی از کتیبه آیت‌الکرسی، عکس از اداره کل میراث فرهنگی سمنان

---

32. Adle 1984: 292-97.

عدل معتقد است که با توجه به شهادت جعفربن‌علی(ع) در حدود سال ۸۹- ۲۸۷ ق/۹۰۱- ۹۰۰ م این سنگ‌قبر، احتمالاً در حدود همان سال‌ها ساخته و روی قبر نصب گردیده و ازاین‌رو می‌توان آن‌ها را قدیمی‌ترین نمونه شناخته‌شده ازاین‌دست در محدوده ایران فعلی برشمرد.[۳۳] شیلا بلر با توجه به شیوه خط کوفی برگ‌دار (مورق) بر روی سطوح صندوقه گچی قبر، آن را متعلق به قرن ۵ ق/۱۱ م می‌داند.[۳۴] بدین ترتیب این نمونه را باید به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین کتیبه‌های کوفی در این شیوه در ایران قلمداد نمود.

ازنظر کتیبه‌نویسی کلمه "هذا " به‌عنوان ضمیر اشاره و یا خبر معمولاً در شروع کتیبه قرار می‌گرفت. این الگو نه‌تنها در سنگ‌قبرهای قرون اولیه اسلامی در ایران،[۳۵] بلکه در کتیبه بناهای تدفینی در قرون نخستین اسلامی مشاهده می‌گردد. برای مثال دو کتیبه برج گنبدکاووس (۳۹۷ ق/ ۷-۱۰۰۶ م) و نیز برج رادکان غربی (۴۰۷ ق/ ۱۰۱۶ م) با کلمه" هذا القصر"، کتیبه‌های بناهای پیر علمدار در دامغان (۴۱۷ (۴۱۷ ق/ ۷-۱۰۲۶ م) و برج مقبره‌های لاجیم (۴۱۳ ق/ ۳-۱۰۲۲ م) و رسگت (۵۰-۴۲۵ ق/ ۵۸-۱۰۳۴ م) در مازندران با کلمه "هذا القبه" آغاز می‌گردند.[۳۶]

در متن کتیبه کوفی بر روی سنگ‌قبر امامزاده جعفر نیز کلمه "شهید " نوشته شده است، که با توجه به اعتقادات شیعیان در گرامیداشت یاد و خاطره شهدا، به‌ویژه اولاد پیامبر و ائمه معصومین برای زیارت وی، احداث آرامگاهی برای وی در این مکان در فاصله اندکی پس از وفات وی معمول و مرسوم به نظر می‌رسد.

سطح زیرین گنبد نیز با نقوش مورب آجری (زیگزاگ) تزیین شده است. نمونه مشابه چنین تزیینی در زیر گنبد مقبره سنگ بست (نیمه اول قرن ۵ ق / ۱۱ م) و نیز گنبد مسجدجامع سمنان (قرن ۶ ق / ۱۲ م) قابل مشاهده است.

تحلیل معماری بنا

بنای امامزاده جعفر را می‌توان ازنظر شکل معماری به دو بخش تقسیم نمود: بنای گنبدخانه و

---

33. Adle 1993: 636.
34. Blair 1992: 28

۳۵. برای مثال می‌توان به دو نمونه اشاره کرد، نخست سنگ قبر موجود در موزه ملی ایران احتمالا متعلق به قرن ۴ق/۱۰م مکشوفه در نیشاپور با نام متوفی به جعفر بن محمد، که اشتباها به سنگ قبر جعفر برمکی معروف است. همچنین نگاه کنید به :

Chevedeen, P.," A Samanid Tombstone from Nishapur*", Ars Orientalis* 16 (1988), pp.153-170.

۳۶. همان جا. ص ص ۶۳، ۸۵، ۸۸،۹۳، و ۲۰۸.

ساختمان ورودی که در سمت جنوب شرقی به آن متصل است. بنای گنبدخانه نمایشگر یکی از دو شکل اصلی بناهای آرامگاهی ایران یعنی مربع گنبد دار است که می‌توان آن را پایدارترین شکل در این‌گونه از معماری برشمرد. شاید مهم‌ترین علت این پایداری را باید در شکل ایستای این فضا و نیز ریشه‌دار بودن سنت برپایی آن در معماری ایران دانست. قدیمی‌ترین نمونه باقی‌مانده از این نوع را می‌توان را در آرامگاه سامانیان (دهه ۳۲۰ ق / ۹۳۰ م) در بخارا مشاهده نمود. این بنا درواقع یادآور شکل چهارطاقی ساسانی می‌باشد که دوباره در دوره اسلامی با عملکردی تازه بکار گرفته شده است.[۳۷] در این بنا مردگردی پیرامون منطقه انتقال نیرو قرار دارد که در بنای امام‌زاده جعفر نیز چنین طرحی مشاهده می‌شود.

طرح کلی معماری گنبد خانه امام‌زاده جعفر شامل فضایی مربع شکل با یک ورودی در مرکز هر ضلع آن و دیوار ضخیم محصورکننده، شباهت زیادی با دو اثر ارزشمند در منطقه خراسان یعنی بنای هارونیه در توس (اوایل قرن ۸ ق / ۱۴ م) و مقبره بابا لقمان در سرخس (۷۵۷ ق/۱۳۶۵ م) دارد. بعلاوه نسبت ارتفاع داخلی فاصله کف تا زیر گنبد به عرض داخلی در بنای هارونی، مقبره بابا لقمان و امام‌زاده جعفر به ترتیب ۱/۷۵، ۱/۷۷ و ۱/۷۶ است این نزدیکی بسیار زیاد احتمالاً نشانگر استفاده از یک الگو در طراحی و ساخت هر سه بنا می‌باشد.

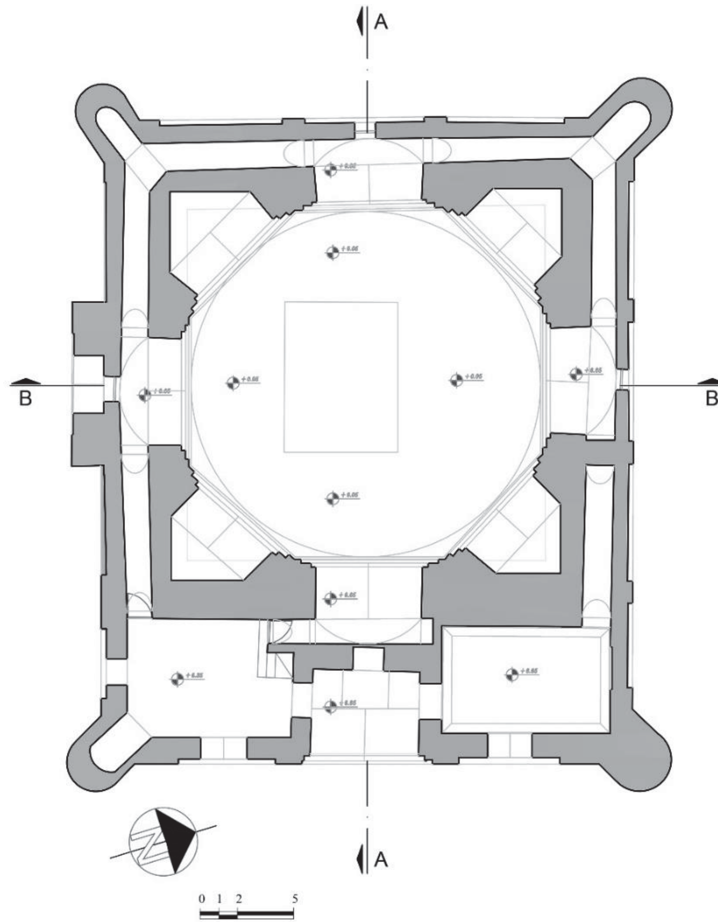
در بنای امامزاده جعفر برخلاف این دو بنای مذکور اثری از پلکان دسترسی به طبقه بالا در داخل گنبد خانه نیست. این احتمال وجود دارد که پلکان اصلی در بیرون گنبد خانه قرار داشته که بعداً در الحاقات دوره تیموری، در مکان فعلی آن، یعنی در داخل یکی از برج‌های جاسازی‌شده و به همین دلیل نیز ازنظر شکل و ابعاد نامتعارف است.

نکته دیگر در گنبد خانه بنای آرامگاه امامزاده جعفر، نسبت ارتفاع مکعب گنبدخانه (ارتفاع بدنه به‌اضافه فضای انتقال نیرو) به عرض کف داخلی آن است که تقریباً ۱/۱ می‌باشد. این نسبت ازنظر محصوریت، حس فضایی مناسب و مطلوبی را در انسان ایجاد می‌کند.

طرح بخش ورودی در بنای امامزاده، ازنظر شکلی و الگوی ساختمانی شباهتی با گنبدخانه ندارد. در نما و پلان این قسمت با تقسیمات سه‌گانه و ابعادی نزدیک به هم ولی متفاوت ازنظر شکلی مواجه هستیم. در بخش میانی، فضایی مربع شکل ایوان ورودی را تعریف می‌کند درحالی‌که دو فضای مجاور آن از مستطیل شکل هستند. این بخش دارای اجزای کوچک‌تر و کوتاه‌تر به نسبت فضای یکپارچه و نسبتاً بزرگ و رفیع گنبدخانه برخوردار است. ایوان کوچک ورودی به‌عنوان فضایی مبدل و واسط، سلسله‌مراتب اتصال از بیرون به درون بنا را تعریف می‌نماید. دو فضای کوچک بدون پنجره در مجاور آن نیز نقشی در این سلسله‌مراتب فضایی نداشته و هریک صرفاً فضاهای خالی بودند- حدفاصل نمای بدنه اولیه بنای گنبد

37. Hillenbrand, R., 2000, *Islamic Architecture*, Edinburgh University Press, p. 290.

خانه که در اثر این الحاق پدید آمده‌اند. نسبت عرض بنای مستطیل شکل ورودی به عرض ساختمان گنبد خانه، ۱ به ۵ است (نقشه ۵).



نقشه ۵. پلان طبقه فوقانی گنبد خانه ، ماخذ: اداره کل میراث فرهنگی سمنان

تاریخ‌گذاری بنا

در مورد تاریخ احداث بنا نظرات مختلفی از سوی برخی از پژوهشگران ارائه شده است. دونالد ویلبر در کتاب خود *معماری ایران اسلامی، دوره ایلخانی* اظهار می‌دارد که این بنا، شامل ساختمانی از اوایل دوره سلجوقی به همراه الحاقی متعلق به قرن ۹ ق/۱۵ م است،[۳۸] هرچند که دلیلی برای این ادعای خود

---

38. Wilber 1969:111.

ارائه نمی‌نماید. لیزا گلمبک و دونالد ویلبر نیز در کتاب خودشان *معماری تیموری در ایران و توران* میگویند که این بنا شواهدی از دوره سلجوقی و تیموری در خود دارد، البته شاهدی برای اثبات حرف خود ابراز نمی‌کنند.[۳۹] نصرت‌الله مشکاتی نیز در کتاب *فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران* این بنا را مربوط به دوره سلجوقی می‌داند ولی وی نیز اشاره‌ای به شواهد این موضوع نمی‌کند.[۴۰]

در برگه ثبتی این بنا به تاریخ ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۲ م که احتمالاً توسط آندره گدار تنظیم شده، این بنا منسوب به دوره سلجوقی قلمداد گردیده است.[۴۱] شهریار عدل معتقد است که با توجه به شهادت جعفر بن علی در حدود سال ۸۹-۲۸۷ ق/۹۰۱-۹۰۰ م و وجود این سنگ‌قبر می‌توان ادعا کرد هسته مرکزی آرامگاه وی نیز در حدود همین تاریخ و در سال‌های آخر قرن ۳ ق / سال‌های اول قرن ۱۰ م احداث شده، هرچند که بعداً تغییراتی در آن ایجاد گردیده است.[۴۲]

شهر دامغان مکان احداث تعداد قابل‌توجهی از آثار برجسته قرون اولیه اسلامی است؛ بنابراین در این شهر برپایی بناهای یادمانی ازجمله آرامگاه مرسوم بود. به‌علاوه این شهر در دارای اقلیت شیعه‌ای بود که از پایگاه اجتماعی محکمی برخوردار بودند و با توجه به عقاید شیعیان مبنی بر احترام و تکریم ائمه و اولاد ایشان، احداث آرامگاهی برای جعفر بن محمد در این دوران در شهر دامغان دور از ذهن نیست.

در سال ۲۵۰ ق/ ۸۶۴ م حسن بن زید از نوادگان امام حسن (ع) ملقب به داعی کبیر، به دعوت مردم طبرستان که از حکومت طاهریان ناراضی بودن از ری به این منطقه رفت تا رهبری ایشان را به عهده بگیرد. وی پس از شکست طاهریان، حکومت علویان (زیدیان) طبرستان را پایه‌گذاری کرد.[۴۳] پس از مرگ وی در سال ۲۷۰ ق / ۸۸۴ م برادرش محمد بن زید به‌جای وی به حکومت رسید. او مردی خیرخواه بود و اقدامات عام‌المنفعه انجام می‌داد و نخستین کسی بود که بناهایی بر مزار امام علی (ع) و امام حسین (ع) در نجف و کربلا ساخت.[۴۴] در سال ۳۰۱ ق/ ۹۱۳ م، حسن بن علی اطروش ملقب به ناصر کبیر حکومت علویان را در طبرستان دوباره احیا نمود. با توجه به وجود سابقه ساخت آرامگاه از سوی علویان طبرستان

---

39. Golombek and Wilber 1988: 376.

۴۰. مشکوتی، نصرت الله، ۱۳۴۹ ، *فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران*، *تهران*، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ص.۲۸۴.

۴۱. این بنا با شماره ۸۲ در تاریخ ۱۳۱۰ ش/ ۱۹۳۲ م، در فهرست آثار ملی به ثبت رسید و برگه ثبت آن اکنون در مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری موجود است.

42. Adle 1984: 295

43. Blair 1992: 28

۴۴. همان جا.

و نیز نسبت برادری جعفر بن علی با ناصر کبیر، دور از انتظار نیست که وی مقبره‌ای - که البته شکل و ابعاد دقیق آن امروزه روشن نیست - برای بزرگداشت برادرش در سال‌های اولیه قرن ۴ ق/۱۰ م احداث کرده باشد.

اطلاعات و شواهد کالبدی موجود در مورد معماری مقابر ایرانی تا پیش از قرن ۴ ق/۱۰ م بسیار اندک است. قدیمی‌ترین نمونه‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد مقبره حضرت امام رضا (ع) (۲۰۳-۱۴۸ ق/ ۸۱۸-۷۶۵ م) است. بر اساس متون تاریخی حضرت در سال‌های اول قرن ۳ ق / ۹ م به دستور مأمون عباسی (۲۰۲-۱۸۹ ق/ ۸۱۷-۸۰۴ م) شهید و بعد به دستور وی در مقبره پدرش، هارون‌الرشید خلیفه عباسی (۹۳-۱۷۰ ق/ ۸۰۹-۷۸۶ م)، که قبلاً به‌صورت قبه‌ای (بنای گنبداری) بر پا گردیده بود در سناباد دفن گردیدند.[۴۵] این بنا یادمانی نشان از شکل معماری مرسوم آرامگاه، یعنی بنایی گنبد دار در آن زمان دارد. همچنین می‌توان به مقبره حضرت معصومه(س) (۲۰۱-۱۷۳ ق/ ۸۱۶- ۷۸۹ م)، خواهر امام رضا (ع) در قم اشاره نمود که احتمالاً در سال ۲۰۱ ق/ ۱۷-۸۱۶ م رحلت نمودند. بر اساس نوشته حسن بن قمی در کتاب *تاریخ قم* (۳۷۸ ق/ ۹۸۸ م) ابتدا بر روی مزار حضرت سایبان حصیری قرار دادند و سپس قبه‌ای بر فراز آن توسط زینب دختر امام جواد (ع)، احتمالاً در نیمه قرن ۳ ق/۹ م بنا گردید.[۴۶] این آرامگاه گنبد دار را می‌توان نخستین بنای یادبود در ایران دانست[۴۷] که البته امروزه اثری از بنای اولیه آن بر جا نمانده است. با توجه به چنین سابقه‌ای می‌توان فرض کرد که بنای اولیه آرامگاه امامزاده جعفر بنا بر سنت رایج بناهای یادبود علوی در آن دوره، دارای چنین شکلی از معماری، یعنی بنایی گنبد دار بود.

از دیگر نمونه‌های آرامگاه‌های مربع گنبد دار در قرون ۵ ق/ ۱۱ م و ۶ ق/ ۱۲ م، می‌توان به بناهای دوازده امام در یزد (۴۲۹ ق/ ۱۰۳۸ م)، ایاز در سنگ بست فریمان (نیمه اول قرن ۵ ق/ ۱۱ م) و سلطان احمد سنجر (۵۲-۵۱۱ ق / ۵۷-۱۱۱۸ م) در مرو اشاره نمود که حکایت از رواج این شکل از معماری آرامگاهی در این دوره دارد. در دوره ایلخانی (۷۵۰-۶۵۴ ق/ ۱۳۳۵-۱۲۵۶ م) ساخت آرامگاه برای امامزاده‌ها و نیز بزرگان تصوف در ابعاد و اشکال مختلف در ایران مرسوم می‌شود.[۴۸] برای نمونه می‌توان

---

۴۵. سیدی، مهدی، ۱۳۷۸ ، *تاریخ شهر مشهد*، تهران، انتشارات جامی، ص. ۱۴.

۴۶. قمی،حسن بن محمد بن حسن، ۱۳۶۱ ، تاریخ قم، ترجمه علی بن حسن بن عبدالملک قمی، تهران، انتشارات توس، ص. ۲۱۳.

۴۷. گرابار این بنا را قبه الصخره و قبه الصلیبیه سومین بنای یادمانی در جهان اسلام ذکر می کند که از این نظر بسیار مهم است. برای این بنا نگاه کنید به:

Grabar, Oleg, 1966, “Commemorative Structures, notes and Documents”, *Ars Orientalis*, vol. 6, 1966, p.15.

۴۸. برای فهرست طولانی این بناها نگاه کنید به: Wilber 1969: 100-104.

در ناحیه قو مس به بناهای مجموعه آرامگاهی بسطام (۷۰۶ - ۷۰۰ ق/ ۱۳۰۶-۱۳۰۰ م) ونیز آرامگاه شیخ علا الدوله سمنانی (حدود ۷۲۰ ق/ ۱۳۲۰ م) اشاره نمود.

توجه به مقبره ائمه و فرزندان ایشان از دوره مسلمان شدن غازان خان (۷۰۳-۶۹۴ ق/۱۳۰۴-۱۲۹۵م) آغاز و پس از وی نیز به امری مرسوم تبدیل گردید. غازان خان مسلمانی سنی بود ولی بر اثر خوابی که دیده بود به اهل‌بیت حضرت پیامبر (ص) علاقه‌مند شد و به زیارت مقابر ایشان رفت و نذرها به‌جای آورد و صدقات و موقوفات زیادی مقرر نمود و در شهرهای بزرگ دارالسیاده (خانه برای اقامت سادات) ایجاد و برای آن‌ها مقری برقرار کرد.[۴۹] وی در سال ۷۰۲ ق/ ۱۳۰۲ م به زیارت مقبره امام علی (ع) در نجف، امام موسی کاظم در بغداد (ع) و امام حسین (ع) مشرف شد. وی پرده‌های ارزشمندی برای مقبره امام حسین (ع) اهدا نمود و صدقات زیادی را برای سادات و مجاوران حرم ایشان اختصاص داد.[۵۰]

ازاین‌رو می‌توان احتمال داد که در اوایل قرن ۸ ق/۱۴ م، به پیروی از همین سنت آرامگاه سازی و برای تکریم و بزرگداشت مهم‌ترین شخصیت دینی متوفی در این شهر، احتمالاً مقبره‌ای بزرگ‌تر که درواقع همان گنبد خانه فعلی است (با نمایی متشکل از ۳ قاب در هر سمت)، جانشین بنای کوچک اولیه می‌شود.[۵۱] سپس در نیمه اول قرن ۹ ق/۱۵ م و مقارن با حکومت شاهرخ میرزای تیموری و اهتمام عمومی وی در تعمیر و مرمت بقاع متبرکه، ساختمان ورودی به همراه نمای اصلی به این مقبره الحاق می‌گردد. در همین ایام تاق نمای پشت بسته چهارم (کوچک) به نماهای بیرونی بنا در سمت شمال شرقی و جنوب غربی و نیز چهار برج نیمه‌گرد که احداث آن‌ها در بناهای دوره تیموری مرسوم بود[۵۲] در گوشه‌های بنا به آن اضافه می‌گردند. فاصله کم این بنا با برج چهل‌دختران (تصویر ۱۴) و نیز اتصال بدون توضیح بنای امامزاده در گوشه شرقی با بنای مربع شکل، تائیدی بر این مدعا است. آثار تعمیرات در پایه برج شرقی آرامگاه امامزاده دیده می‌شود که احتمالاً ناشی از تخریب و آسیب‌دیدگی بنا در اثر وقوع زلزله

---

۴۹. رشید الدین فضل الله همدانی، ۱۳۷۳، *جامع التواریخ*، تصحیح: محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر البرز, ۱۳۷۳.، ص.ص ۱۳۵۸ و۱۳۵۹ .

۵۰. همان منبع ص ص. ۱۲۸۷ ، ۱۳۰۹ و ۱۳۲۸.

۵۱. مشابه این اتفاق را می توان در مقبره ظهیر الدین مرعشی (۸۴-۷۶۰ ق / ۸۲- ۱۳۵۸ م) معروف به میر بزرگ که همانند جعفر بن محمد نسبتش به امام سجاد(ع) می رسد، در شهر آمل مشاهده نمود.

۵۲. مانند مدرسه الغ بیگ در بخارا ۲۳- ۸۲۰ ق/ ۲۰-۱۴۱۷ م ، غوج دیوان ۷۷۲/ ق/ ۱۳۷۰ م، مسجد جامع تیمور در سمرقند (۸- ۸۰۱ ق/ ۱۴۰۵- ۱۳۹۸ م) مدرسه الغ بیک در سمرقند (۲۳- ۸۲۰ ق/ ۲۱- ۱۴۱۷ م). برای نقشه این بناها نگاه کنید به:

Golombek and Wilber, 1988, vol 2, figs., 4, 8, 26 and 28.

سال ۱۸۳۰ م دامغان است.



تصویر ۱۴. فاصله اندک و غیرمعمول بنای امامزاده با بنای چهل‌دختران، عکس از نگارنده

نتیجه‌گیری

بنای امامزاده جعفر در دامغان گذشته ازنظر ارزش‌های مذهبی و اجتماعی به چند دلیل مهم است. نخست آنکه وجود این بنا گواهی بر وجود اندیشه برپایی آرامگاه، به‌عنوان بنای یادمانی و زیارتی از قرون اولیه اسلامی در ایران دارد. دوم این بنا به همراه سایر بناهای مشابه آرامگاهی از بسطام تا سمنان و پیرامون آن نشانگر شبکه‌ای از این نوع بناها است که شکل‌دهنده منظر تاریخی معماری تدفینی در ناحیه قومس می‌باشد. وجود این بنا در کنار سایر بناهای تدفینی در کنار مسیر مهم زیارتی و نیز تجاری به مشهد و آسیای میانه، احتمالاً بیانگر هدف بانیان در جلب‌توجه به این بناها و زنده نگه‌داشتن یاد متوفیان آن‌ها در خاطره جمعی است. سوم، در این بنا یکی از قدیمی‌ترین سنگ‌قبرهای شناخته‌شده در ایران قرار دارد که نمونه‌ای مهم ازنظر کتیبه‌نویسی به شمار می‌آید. چهارم، این بنا نمایشگر تداوم و یکپارچگی در شکل معماری مقابر آرامگاهی ایران و تزئینات گوشه‌سازی زیر گنبد آن، نشانگر نمونه‌ای خاص و نادر در دوره اسلامی است، می‌باشد. پنجم، این بنا به همراه تعدادی دیگر از بناهای آرامگاهی موجود در شهر

دامغان حکایت از اهمیت این شهر در قرون میانی دوره اسلامی دارد. ششم، وجود مقبره این امامزاده یکی از نمادها و نشانه‌های حضور طولانی شیعیان و قدرت ایشان در شهر دامغان است. هفتم، این بنا یکی از نمونه‌های برجسته آرامگاهی ایلخانی را در منطقه دامغان و سمنان به نمایش می‌گذارد که ازنظر ویژگی‌های معماری حائز توجه و اهمیت است و می‌تواند ملاکی برای ارزیابی و مقایسه تطبیقی برای سایر آثار مشابه در این منطقه باشد.